



<https://jacp.scu.ac.ir/>

ISSN (P): 2538-5755

ISSN (E): 2588-6126

Received: 12 January 2020

Accepted: 18 November 2020

Research Article

Doi: [10.22055/jacp.2022.31184.1123](https://doi.org/10.22055/jacp.2022.31184.1123)

Prediction of Social Problem Solving Capacity Based on Dimensions of Psychological Capital in Medical Students of Shahid Chamran University of Ahvaz

Mahshid Azizi^{1*}

1- MA, Degree, Faculty of Psychology, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran

Citation: Azizi, M. (2019). Prediction of Social Problem Solving Capacity Based on Dimensions of Psychological Capital in Medical Students of Shahid Chamran University of Ahvaz. *Clinical Psychology Achievements*, 5(2), 21-31

Abstract

Background and Aim: Paying attention to social problem solving and psychological capital dimensions is necessary because social problem solving can be influenced by psychological capital dimensions. The purpose of the present study was to predict the ability of social problem solving based on the dimensions of psychological capital. **Materials and Methods:** This is a descriptive-correlational study that was performed on 150 students of Shahid Chamran University of Ahvaz during the academic year 1396-97. In this study, the Social Problem Solving Questionnaire (SPSI-R) and the Lutz Psychological Capital Questionnaire (PSQ) were used. In addition, Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis were used to analyze the data. **Results:** The results showed that there is no significant relationship between hope and social problem solving; there is no significant relationship between optimism and social problem solving. But there is a significant relationship between self-efficacy and social problem solving and finally there is a significant relationship between resilience and social problem solving.

Keywords: Social problem solving, psychological capital, hope, self-efficacy, optimism and resilience

* Corresponding Author: Mahshid Azizi

E-mail: Azizimahshid56@gmail.com





پیش‌بینی توان حل مسئله اجتماعی براساس ابعاد سرمایه روان‌شناختی در دانشجویان پزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز

مهشید عزیزی*

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

توجه به حل مسئله اجتماعی و ابعاد سرمایه روان‌شناختی امری ضروری است؛ به دلیل اینکه حل مسئله اجتماعی می‌تواند متأثر از ابعاد سرمایه روان‌شناختی باشد. هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی توان حل مسئله اجتماعی براساس ابعاد سرمایه روان‌شناختی بود. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است که بر روی ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به شیوه تصادفی اجراء گردید. در این پژوهش از پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی دزوریلا (SPSI-R) و پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز (PSQ) استفاده شد. همچنین برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین امید و حل مسئله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ بین خوش‌بینی و حل مسئله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. اما بین خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد و درنهایت بین تاب‌آوری و حل مسئله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با افزایش مهارت حل مسئله اجتماعی در افراد می‌توان سرمایه روان‌شناختی را در آن‌ها را افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: حل مسئله اجتماعی، سرمایه روان‌شناختی، امید، خودکارآمدی، خوش‌بینی و تاب‌آوری

مقدمه

حل مسئله اجتماعی^۱ که به‌عنوان یکی از شاخص‌های سنجش سلامت روان در این پژوهش مورد کاربرد قرار گرفته است، یکی راهبرد کلی است که افراد به‌واسطه آن برای موقعیت‌های چالش‌برانگیز، پاسخ‌های مقابله‌ای مؤثر می‌کنند. حل مسئله اجتماعی به سازگاری روان‌شناختی کمک فراوان می‌کند؛ زیرا در گستره موقعیت‌های تنش‌زا، بر کارکرد انطباقی تأثیر می‌گذارد. بنابراین تعجب‌آور نیست که حل مسئله اجتماعی از یک سو با اشکال مختلف ناسازگاری و آسیب‌شناسی روانی و از سوی دیگر با سازگاری روان‌شناختی، رابطه دارد (غلامی و سهرابی، ۱۳۹۴). اغلب مطالعات در حوزه حل مسئله اجتماعی و سازگاری براساس مدل مسئله اجتماعی قرار گرفته است که اولین بار به‌وسیله دیزریلا و همکاران گسترش یافت (D'Zurilla et al., 2011). الگوی مقابله حل مسئله اجتماعی یکی از جامع‌ترین الگوهای حل مسئله اجتماعی است. یک فرض این مدل آن است که حل مسئله، عمدتاً به‌وسیله دو فرایند کلی جهت‌گیری نسبت به مسئله و مهارت‌های حل مسئله یا سبک‌های حل مسئله تعیین می‌شود. حل مسئله اجتماعی زمانی ناکارآمد محسوب می‌شود که با یک جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله، تکانش‌گری یا تعلل و اجتناب شدید همراه شود (ثابت و جمشیدی‌فر، ۱۳۹۱). حل مسئله اجتماعی یک فرایند چندبعدی تعاملی است که از دو مؤلفه اصلی تشکیل شده است که عبارتند از: الف) جهت‌گیری نسبت به مسئله ب) مهارت‌های حل مسئله یا سبک‌های حل مسئله. جهت‌گیری نسبت به مسئله، اشاره به چگونگی توجه افراد به مسئله در محیط اطراف آن‌ها دارد و تا حدودی الگوی شناختی-هیجانی ثابتی که افراد نسبت به مسائل زندگی خود دارند و چگونگی ارزیابی آنان از ظرفیت‌های حل مسئله‌ای خود را نشان می‌دهد (ثابت و جمشیدی‌فر، ۱۳۹۱). محققان (D'Zurilla & Sheedy (1992) دو عامل جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله و جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله را معرفی کردند. دو عامل مذکور بخشی از مدل پنج عاملی حل مسئله اجتماعی دیزریلا و نزو (۱۹۹۰) محسوب می‌شود که ممکن است تمایلات افراد برای درگیر شدن در حل مسئله مؤثر را افزایش یا کاهش دهد، اما سه عامل باقی‌مانده همگی بر سبک‌های حل مسئله اشاره دارند که از حل منطقی مسئله^۲، سبک بی‌دقتی/ تکانشی^۳ و سبک اجتنابی^۴ تشکیل شده است. سبک‌های حل مسئله، فعالیت‌های شناختی-رفتاری آشکاری است که به‌دنبال پیدا کردن راه‌حلی برای یک مسئله ویژه است؛ به‌عبارت دیگر سبک حل مسئله، یک الگوی ویژه از کنش‌ها و افکار است و در افرادی که برای حل مسئله معینی تلاش می‌کنند، دیده می‌شود (ارشاد، ۱۳۹۶). یکی از عواملی که ممکن است بر حل مسئله اجتماعی تأثیر بگذارد، متغیر سرمایه روان‌شناختی^۵ می‌باشد. سرمایه روان‌شناختی یکی از شاخص‌های روان‌شناسی مثبت است که نشان دهنده ارزیابی مثبت از شرایط و احتمال موفقیت را براساس تلاشی با انگیزه و پشتکار دانستن است (Peterson & Luthans, 2003). سرمایه روان‌شناختی یک حالت مثبت روان‌شناختی از رشد و تحول فردی است که از طریق چهار مشخصه قابل شناسایی است (Brandt & Bayanova, 2011). سرمایه روان‌شناختی یکی از مفاهیم جدیدی است که به‌عنوان یک سازه مثبت‌گرا مطرح شده و می‌توان از آن در مدیریت اثربخش ابعاد عاطفی، انگیزشی، نگرشی، شناختی و رفتاری افراد در محیط کار استفاده کرد و هرکدام از این سازه‌ها به‌عنوان یک ظرفیت روان‌شناسی مثبت در نظر گرفته می‌شوند و دارای مقیاس اندازه‌گیری معتبر هستند، مبتنی بر نظریه و تحقیق، و وابسته به حالت و قابلیت رشد بوده و به‌طور چشمگیری با پیامدهای عملکردی ارتباط دارند (Luthans et al., 2007).

زیرمؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی درواقع شامل خوش‌بینی، امید، تاب‌آوری و خودکارآمدی است که این مفهوم این چهار مؤلفه را افزایش می‌دهد (Aliyev & Erhan, 2015). به‌همین دلیل لوتانز و همکارانش در توسعه چهارچوب رفتار سازمانی مثبت‌گرا در سازمان‌ها، سرمایه روان‌شناختی مثبت‌گرا را به‌عنوان یک عامل ترکیبی و منبع مزیت رقابتی

1. Solving Social Problem
2. Rational Problem Solving
3. Impulsive/Carelessness Style
4. Negative Problem Orientation
5. Psychological Capital

سازمان‌ها مطرح کرده‌اند. بنابراین سرمایه روان‌شناختی، از متغیرهای روان‌شناختی مثبت‌گرایی تشکیل شده است که قابل اندازه‌گیری، توسعه و پرورش هستند و امکان اعمال مدیریت بر آن‌ها وجود دارد (معمارزاده و همکاران، ۱۳۹۱). خوش‌بینی^۱ یکی از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی است که به‌عنوان گرایشی که اثر مثبت بر حالت روانی فرد دارد در نظر گرفته می‌شود که انتسابات فرد خوش‌بین به موفقیت در حال حاضر و آینده مثبت است. خوش‌بینی به‌معنای تجارب مثبت تمیم یافته که هم شامل امید و انتظار مثبت و هم تفسیر مثبت از رویدادها است، می‌باشد (Luthans et al., 2007). فرد خوش‌بین هنگامی که با یک چالش روبه‌رو می‌شود قادر به حفظ سلامت روان خود خواهد بود و انتظار وقایع مثبت را دارد به‌دلیل اینکه در مقایسه با افراد بدبین که به‌طور احساسی و هیجانی برخورد می‌کنند با وقایع استرس‌زا به‌صورت مسأله محور مواجه می‌شود و این همیشه به یک رفاه و سلامت ذهنی بهتر در زمان سختی‌ها منجر می‌شود. امید^۲ از دیگر مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی، به‌معنای انگیزه برای پیدا کردن راه برای رسیدن به اهداف و توانایی استفاده مؤثر از این راه است (Aliyev & Erhan, 2015). همچنین حالت انگیزشی مثبتی که از احساس موفقیت‌آمیز عاملیت (انرژی معطوف به هدف) و برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف ناشی شده است. طبق پژوهش‌های پترسون و لوتانز سطح امیدواری مدیران رستوران‌های غذای آماده، با عملکرد مالی واحد و رضایت شغلی کارکنانشان، همبستگی مثبت بالایی دارد (Won, 2017). تاب‌آوری^۳ عبارت است از نوعی حالت قابل توسعه در فرد که براساس آن قادر است در رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و تعارض‌های زندگی و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفت‌ها و مسئولیت بیشتر، به تلاش افزون‌تر ادامه دهد و برای دستیابی به موفقیت بیشتر، از پای ننشیند (معمارزاده و همکاران، ۱۳۹۱). خودکارآمدی^۴ به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های مثبت سرمایه روان‌شناختی است که در حقیقت اعتقاد مثبت یا اعتماد فرد به توانایی‌اش برای انجام وظایف خاص است. باورهای خودکارآمدی اشاره به یک تعیین‌کننده اصلی رفتار از قبیل عملکرد، پایداری به هدف و انطباق و سازگاری زمانی که یک فرد دارای مهارت لازم باشد. خودکارآمدی، دربرگیرنده مبارزه یک فرد برای رسیدن به اهداف خود و باور او به مهارت‌های خویش است (Aliyev & Erhan, 2015). خودکارآمدی به مهارت‌های واقعی فرد مربوط نمی‌شود بلکه به باور فرد درباره آنچه می‌تواند با مهارت خود انجام دهد، مربوط می‌شود (Peterson & Luthans, 2003). سطوح بالایی از خودکارآمدی، تأثیر فعالی در هنگام چالش‌ها و مشکلات را نشان می‌دهد و به فائق آمدن بر مشکلات در شرایط استرس‌آمیز کمک می‌کند. در راستای پژوهش حاضر، در پژوهش صدری دمیچی و همکاران (۱۳۹۶) نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین تمامی متغیرهای تحقیق با ارتقای شاخص‌های کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین در آزمون رگرسیون چندگانه خطی متغیرهای تاب‌آوری، خودکارآمدی و امیدواری توانایی تبیین ۴۵٪ درصد از تغییرات متغیر کیفیت زندگی را دارا می‌باشند. در پژوهش غیائی (۱۳۹۵) مشاهده می‌شود سبک حل مسأله‌ی خلاقیت، اعتماد و گرایش با باور به خودکارآمدی رابطه معنی‌دار مستقیم و دو سبک درماندگی و مهارگری رابطه معنی‌دار معکوس دارند. همچنین یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون ترتیبی نشان داد که عزت‌نفس و سبک‌های حل مسأله خلاقیت، گرایش و درماندگی قادرند ۵۷٪ درصد از تغییرات واریانس باور به خودکارآمدی را در میان دانشجویان مورد مطالعه تبیین نمایند. در پژوهش غلامی و سهرابی (۱۳۹۴) نتایج نشان داد که بین گروه‌های مختلف سنی زنان از لحاظ مسأله اجتماعی در سه‌بعد جهت‌گیری مثبت به حل مسأله، جهت‌گیری منفی به حل مسأله و سبک اجتنابی حل مسأله تفاوت معنی‌داری وجود دارد. پژوهش نیک‌راه و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که میزان تاب‌آوری گروه کنترل و آزمایش باهم متفاوت است. به‌طوری‌که گروه آزمایش از تاب‌آوری بالاتری در مقایسه با گروه کنترل برخوردار است. در پژوهش هدایتی و ماه‌زاده (۱۳۹۵) به این نتیجه دست یافتند که مشارکت در برنامه آموزشی «فلسفه برای کودکان و نوجوانان» منجر به بهبود مهارت کلی حل مسأله اجتماعی می‌گردد. این تأثیر

1. Optimism
2. Hope
3. Resilience
4. Self Efficacy

به‌صورت معنی‌دار در مؤلفه‌های حل منطقی مسأله، سبک اجتنابی و سبک بی‌دقتی-تکانشی به مسأله و جهت‌گیری منفی به مسأله و جهت‌گیری مثبت به مسأله قابل مشاهده بوده است. نتایج پژوهش بیک‌وردی و جعفری (۱۳۹۵) نشان داد آموزش حل مسأله موجب ارتقای سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی می‌شود و آموزش حل مسأله موجب ارتقای تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی می‌شود. همچنین آزمون پیگیری در گروه آزمایش نشانگر پایداری آموزش بر روی سازگاری اجتماعی و تاب‌آوری بود. پژوهش محزون‌زاده بوشهری (۱۳۹۶) نشان داد که مهارت حل مسأله با واسطه‌گری خودکارآمدی در هوش فرهنگی نقش داشته است. محاسبه اثر مسیرهای ساختاری حاکی از آن بود که مهارت حل مسأله به‌گونه مستقیم $0/53$ و غیرمستقیم $0/10$ و در کل $0/63$ در هوش فرهنگی نقش داشته است، نقش خودکارآمدی بر هوش فرهنگی به‌گونه مستقیم $0/23$ بود. همچنین نقش حل مسأله به‌گونه مستقیم در خودکارآمدی $0/42$ بود. مقدار واریانس تبیین‌شده نشان داد که ۱۷ درصد واریانس خودکارآمدی با مهارت حل مسأله و ۴۴ درصد واریانس هوش فرهنگی با مهارت حل مسأله و خودکارآمدی قابل تبیین است. در پژوهش (Zubair & Kamal, 2015) که با هدف بررسی نقش رهبری اصیل با توجه به نقش میانجی‌گری سرمایه روان‌شناختی انجام شد این یافته به دست آمد که سرمایه روان‌شناختی رابطه معنی‌داری با رهبری اصیل در جریان‌های مربوط به کار دارد. در پژوهش (Jiang et al., 2016) نتایج نشان داد که در اوایل نوجوانی بعد از آموزش حل مسأله اجتماعی به نوجوانان، بعد از دوره شش ماهه، می‌تواند تا حد بسیار زیادی رضایت زندگی نوجوانان را افزایش بدهد. در تحقیق (Luthans et al., 2004) با هدف بررسی سرمایه روان‌شناختی بر خلاقیت کارورزان برای ایفای نقش به این نتیجه رسیدند که سرمایه روان‌شناختی بر خلاقیت این افراد اثرگذار است. نتایج پژوهش (Yang & Moon, 2013) بیانگر این بود که سرمایه روان‌شناختی دانشجویان دانشگاهی رابطه مثبت معنی‌داری با توانمندسازی یادگیری دارد و توانمندسازی یادگیری به‌طورکلی ارتباط بین سرمایه روان‌شناختی و مشارکت را می‌-طلبد. نتایج پژوهش (Jun & Lee, 2017) حاکی از این بود که تاب‌آوری نقش واسطه‌ای و جزئی در رابطه میان اضطراب و توانایی حل مسأله بازی می‌کند و به منظور افزایش توانایی حل مسأله اجتماعی، می‌بایست راهبردهای آموزشی که باعث کاهش اضطراب و بهبود تاب‌آوری پرستاران می‌شود در نظر گرفت.

در مجموع توانایی حل مسأله اجتماعی به افراد کمک می‌کند راه‌حلی برای شرایط استرس‌زا در زندگی روزمره خود از طریق یک روند شناختی، عاطفی و رفتاری (D'Zurilla et al., 2011) پیدا کنند. افرادی که مهارت‌های حل مسائل قوی را به‌طور جدی در زندگی خود به‌کار می‌برند، بهتر می‌توانند با شرایط استرس‌زا منطبق شوند و مشکلات خویش را حل نمایند (Won, 2017). از سویی دیگر سرمایه روان‌شناختی ظرفیت بالقوه بالایی برای تغییر احساسات و شرایط زندگی انسان به‌سوی حالت و وضعیتی مطلوب‌تر در اختیار وی می‌گذارد. بنابراین لازم به‌نظر می‌رسد که در حوزه سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان در جهت هرچه بهتر شدن کیفیت زندگی آنان پرداخته شود. باتوجه به آنچه شرح آن گذشت و نیز اینکه قشر عظیمی از جوانان کشور را دانشجویان تشکیل می‌دهند و تا به‌حال پژوهشی در زمینه رابطه میان توان حل مسأله اجتماعی و ابعاد سرمایه روان‌شناختی انجام نگرفته است؛ پژوهش حاضر درصدد این است که به پیش‌بینی توان حل مسأله اجتماعی براساس ابعاد سرمایه روان‌شناختی در دانشجویان بپردازد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه پژوهش نیز شامل دانشجویان گروه پزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند می‌باشد. نمونه آماری پژوهش نیز مشتمل بر تعداد ۸۹ نفر دختر و ۶۱ نفر پسر که میانگین سنی‌شان بین ۱۸ تا ۳۰ است می‌باشد. این نمونه آماری به‌شیوه تصادفی انتخاب گردید. ملاک ورود شامل سن و رشته تحصیلی و ملاک خروج افت برخی آزمودنی‌ها که تعدادی پرسش‌نامه را به‌طور ناقص پر می‌کردند بود. لازم به ذکر است تمام ملاحظات اخلاقی از جمله محرمانه ماندن اطلاعات

پرسش‌نامه دانشجویان و اختیاری بودن پرسش‌نامه توسط آن‌ها و رضایت آن‌ها در نظر گرفته شد. در نهایت، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از محاسبه شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) به بررسی شاخص‌های آمار استنباطی، از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده گردید. همچنین عملیات آماری پژوهش به وسیله نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۷ انجام شد.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه تجدیدنظرشده حل مسئله اجتماعی (Social Problem-Solving Inventory-Revised): این پرسش‌نامه در سال ۲۰۰۲ توسط دزوریل و همکاران تدوین شده است. فرم کوتاه پرسش‌نامه تجدیدنظرشده حل مسئله اجتماعی (SPSI-R) یک ابزار خودگزارشی برای اندازه‌گیری مهارت‌های حل مسئله اجتماعی است. این مقیاس مبتنی بر کار قبلی مؤلفان است که مؤلفه‌های عمده مدل نظری حل مسئله اجتماعی را بررسی و اندازه‌گیری می‌کند. فرم بلند این مقیاس دارای ۵۲ سؤال است و ۵ خرده‌مقیاس دارد. فرم کوتاه آن دارای همان ۵ خرده‌مقیاس اما شامل ۲۵ سؤال است و روی مقیاس ۵ درجه لیکرت از کاملاً نادرست تا کاملاً درست نمره‌گذاری می‌شود. دو خرده‌مقیاس، جهت‌گیری حل مسئله را اندازه‌گیری می‌کنند. یعنی جهت‌گیری مثبت حل مسئله (PPO) به وسیله سؤالات (۵-۷-۱۴) و جهت‌گیری منفی حل مسئله (NPO) به وسیله سؤالات (۲-۴-۹-۱۳-۲۲)، سه خرده‌مقیاس آن نیز سبک حل مسئله اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کنند که عبارتند از: سبک منطقی حل مسئله (RPS) که به وسیله سؤالات (۲-۸-۱۶-۲۰-۲۱-۲۴-۲۵) اندازه‌گیری می‌شود. سبک اجتنابی حل مسئله (APS) به وسیله سؤالات (۱-۱۰-۱۲-۱۷-۱۸) و سبک تکانشی-بی‌توجهی حل مسئله (ICPS) که به وسیله سؤالات (۶-۱۱-۱۵-۱۹-۲۳) اندازه‌گیری می‌شوند. دو خرده‌مقیاس (PPO، PRS) حل مسئله سازنده و کار را اندازه‌گیری می‌کنند و سه خرده‌مقیاس باقی‌مانده (ICPS، APS، NPO) حل مسئله غیرعادی و ناقص را اندازه‌گیری می‌کنند. پایایی آزمون مجدد برای این پرسش‌نامه بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۱ و ضریب آلفای آن بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۵ گزارش شده است (D'Zurilla et al., 2011). روایی سازه این پرسش‌نامه نیز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و همبستگی با دیگر مقیاس‌های حل مسئله و سازه‌های روان‌شناختی همپوش، تایید شده است. در ایران مخبری، درتاج و دره‌کردی (۱۳۸۹) ضریب آلفای ۰/۸۵ را برای پنج عامل سنجیده‌شده و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۸ را برای پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی کوتاه به‌دست آوردند. همچنین در این تحقیق بررسی ساختار عاملی بیانگر وجود پنج عامل اشاره‌شده در بالا می‌باشد. همه تحلیل‌های روایی، SPSI را به‌عنوان یک مقیاس حل مسئله اجتماعی تأیید کرده است (ارشاد، ۱۳۹۶).

پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی (Psychological Capital Questionnaires): این پرسش‌نامه در سال ۲۰۰۷ توسط لوتانز ساخته شده است. برای سنجش سرمایه روانی از پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی PCQ استفاده شد (Luthans, 2007). این پرسش‌نامه از مقادیر استانداردشده که به‌طور وسیعی برای ساختارهایی که امید، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی را می‌سنجند مورد استفاده قرار گرفته است و قابلیت اعتبار و پایایی این خرده‌مقیاس‌ها نیز اثبات شده است. این پرسش‌نامه شامل ۲۴ سؤال است که هر خرده‌مقیاس شامل ۶ گویه است و آزمودنی به هرگونه در مقیاس ۶ درجه‌ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) لیکرت پاسخ می‌دهد. برای به‌دست آوردن نمره سرمایه روانی ابتدا نمره هر خرده‌مقیاس به‌صورت جداگانه به‌دست آمد و سپس مجموع آن‌ها به‌عنوان نمره کل سرمایه روان‌شناختی محسوب شد. به‌طوری‌که کاملاً مخالفم نمره ۱، مخالفم نمره ۲، تا حدودی مخالفم نمره ۳، تا حدودی موافقم نمره ۴، موافقم نمره ۵ و کاملاً موافقم نمره ۶ می‌گیرد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از این بود که این آزمون دارای عوامل و سازه‌های موردنظر سازندگان آزمون است. در حقیقت نتایج تحلیل عاملی روایی سازه آزمون را تأیید کردند. مدل شش عاملی برازش بهتری با داده‌ها داشته و با مدل نظری هم‌همانگی بیشتری دارد. نسبت خی دو این آزمون برابر با ۲۴/۶ است و آماره‌های CFI، RMSEA در این مدل

به ترتیب ۰/۹۷ و ۰/۰۸ هستند (Peterson & Luthans, 2003). همچنین در پژوهش حاضر میزان پایایی این پرسش‌نامه براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. همچنین سؤالات ۱۳-۲۰-۲۳ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

یافته‌ها

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد دختران و پسران

جنسیت		پسر (۸۹ نفر)		دختر (۶۱ نفر)	
متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
امید	۳۰/۲۳	۵/۶۳	۲۹/۲۶	۵/۴۲	
خودکارآمدی	۲۶/۴۷	۶/۲۸	۲۶/۰۷	۶/۸۴	
خوش‌بینی	۲۷/۵۱	۵/۹۰	۲۷/۴۸	۵/۷۹	
تاب‌آوری	۲۵/۵۷	۶/۲۸	۲۶/۰۷	۶/۱۵	
حل مسئله اجتماعی	۲۷/۴۷	۵/۹۰	۲۷/۴۸	۵/۷۹	

جدول ۲. همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	امید	خودکارآمدی	خوش‌بینی	تاب‌آوری
حل مسئله اجتماعی	۰/۱۰	۰/۶۸	۰/۱۳	۰/۶۱

P>0/005

جدول ۳. نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی حل مسئله اجتماعی بر حسب ابعاد سرمایه روان‌شناختی

مدل	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد		Sig
	ضریب تأثیر B	S.E	beta	T	
ثابت					
امید	۰/۰۳۱	۰/۱۳۶	۰/۰۱۸	۲/۵۱	۰/۸۲۴
خودکارآمدی	۰/۱۴	۰/۰۶۹	۰/۲۶۹	۳/۷۳	۰/۰۰۱
خوش‌بینی	-۰/۲۹۲	۰/۱۷۹	-۰/۱۲۳	۱/۷۶	۰/۱۰۵
تاب‌آوری	۰/۲۰۸	۰/۰۷۴	۰/۲۳۱	۳/۳۸	۰/۰۰۱

متغیر ملاک: حل مسئله اجتماعی

به منظور پیش‌بینی حل مسئله اجتماعی بر حسب متغیرهای امید، خودکارآمدی، خوش‌بینی و تاب‌آوری از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده گردید. همانطور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد؛ بین امید و حل مسئله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($\text{sig}=0/824$ و $\text{beta}=0/018$) و همچنین بین خوش‌بینی و حل مسئله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($\text{sig}=0/105$ و $\text{beta}=-0/123$). اما بین خودکارآمدی و حل مسئله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد ($\text{sig}=0/001$ و $\text{beta}=0/269$) و در نهایت بین تاب‌آوری و حل مسئله اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد ($\text{sig}=0/001$ و $\text{beta}=3/38$).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که متغیرهای خودکارآمدی و تاب‌آوری می‌توانند توان حل مسئله اجتماعی را در دانشجویان پیش‌بینی نمایند؛ به عبارت دیگر، افزایش خودکارآمدی و تاب‌آوری در افراد می‌تواند باعث بهبود توان

حل مسئله اجتماعی در افراد شود. همچنین نتایج پژوهش بیانگر این بود که دو متغیر امید و خوش‌بینی نمی‌تواند توان حل مسئله اجتماعی را در دانشجویان پیش‌بینی نماید. در بحث معنی‌داری رابطه میان متغیرهای خودکارآمدی و تاب‌آوری با توان حل مسئله اجتماعی، نتایج این یافته با نتایج یافته‌های هدایتی و ماه‌زاده، بیک‌وردی و جعفری، محزون‌زاده، غیائی، برنند و بیانوا، وان همسو است، آن‌ها در پژوهش خود نشان دادند که بین دو متغیر خودکارآمدی و تاب‌آوری رابطه وجود دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مهارت حل مسئله، در حقیقت ارائه منظم آموزش مهارت‌های شناختی و رفتاری است که به فرد کمک می‌کند تا مؤثرترین راه‌حل مشکل را شناسایی کرده و به طریقی مؤثر با مشکلات روزمره و مشکلاتی که در آینده پیش می‌آیند، برخورد نماید. مهارت حل مسئله به شخص موجب می‌شود تا بدون کمک دیگران بیندیشد و مسائلش را حل کند (غریبی و بهاری‌زر، ۱۳۹۴). تاب‌آوری به‌عنوان توانایی مقاومت در برابر استرس و بازگشت به تعادل طبیعی پس از تجربه عوامل استرس‌زا تعریف می‌شود. استفاده از راهبردهای ناکارآمد حل مسئله برای مدیریت فشارهای ناشی از وضعیت آشفته در طول زمان، منجر به آسیب‌پذیری و تحلیل رفتن مقابله با هیجان‌های منفی در افراد می‌شود. تاب‌آوری پایین این افراد، آنان را به‌سوی راهکارهای ناکارآمد حل مسئله همچون انزوای اجتماعی، جهت‌گیری منفی حل مسئله اجتماعی و مشکلات ارتباطی در این‌گونه افراد می‌گردد. (1992) D'Zurilla & Sheedy بر این باور هستند که براساس پژوهش‌های پیشین افزایش توانایی حل مسئله اجتماعی و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و تأثیر زیادی در تاب‌آوری روان‌شناختی و اجتماعی در افراد دارد. بنابراین باتوجه به آنچه ذکر شد، منطقی به‌نظر می‌رسد بین مهارت حل مسئله و تاب‌آوری رابطه وجود داشته باشد.

محققان در پژوهش خود نشان دادند که میزان خودکارآمدی در افرادی که آموزش مهارت مسئله را دریافت کرده‌اند بالاتر از سایر افراد می‌باشد. خودکارآمدی بالا با راهبردهای مقابله‌ای فعالانه، جستجوی حمایت اجتماعی و حل مسئله ارتباط دارد (محزون‌زاده بوشهری، ۱۳۹۵). افزون براین، خودکارآمدی از مهم‌ترین عوامل در رشد ارتباطات سالم اجتماعی است که زندگی فرد را لذت‌بخش می‌کند و او را قادر می‌سازد با فشارهای طولانی‌مدت مقابله کند. حس ایمن از خودکارآمدی، باعث ایجاد ارتباطات اجتماعی مثبت و سالم در موقعیت‌های متفاوت و تعاملات پیچیده می‌شود. از سویی دیگر، داشتن مهارت حل مسئله موجب می‌شود که افراد در هنگام بروز فعالیت‌های دشوار، راهکارهایی را انتخاب کنند که توانایی انجام آن را داشته باشد و از انتخاب فعالیت‌هایی که باور دارند بیش از حد توان آن‌هاست اجتناب کنند. باتوجه به این‌که مهارت در حل مسئله، راهکار و روشی مناسب جهت شناخت و مقابله با مشکلات موقعیتی است؛ به‌صورت فرایند رفتاری یا شناختی انواع پاسخ‌های بالقوه مؤثر را به‌صورت موقعیت مسئله‌ساز ارائه می‌کند. توانایی و آگاهی از مهارت‌های حل مسئله بر چگونگی حس افراد نسبت به توانایی‌های شخصی خود در یک وضعیت خاص تأثیر می‌گذارد (لطیفی و ملک‌پور، ۱۳۹۰). در حقیقت توانایی حل مسئله در ایجاد و افزایش ویژگی خودکارآمدی می‌تواند مؤثر باشد. حل مسئله، مهارتی مقابله‌ای و عملی است که موجب افزایش اعتمادبه‌نفس و کارآمدی افراد می‌شود و با سازگاری محیطی آنان ارتباط دارد و شامل پنج گام است: ادراک خویشتن، تعریف مسئله، تهیه فهرستی از راه‌حل‌های مختلف، تصمیم‌گیری در مورد مناسب‌ترین راه‌حل و امتحان کردن راه‌حل انتخابی و در طول سپری شدن فرایند حل مسئله، زمان مناسبی است که افراد می‌توانند روش‌های برخورد مؤثر با وقایع چالش‌برانگیز زندگی را کشف، خلق یا شناسایی کنند و به‌نوعی خودکارآمدی در حل مسائل زندگی برسند (محزون‌زاده بوشهری، ۱۳۹۶) و از نتایج دیگر پژوهش عدم‌وجود رابطه معنی‌دار میان دو متغیر امید و خوش‌بینی با متغیر حل مسئله اجتماعی بود. نتایج این یافته با نتایج یافته‌های صدری و همکاران، بیرامی و موحدی، و گرشام^۱ همسو نیست. آن‌ها در پژوهش خود نشان دادند که میان دو متغیر خوش‌بینی و امید با توان حل مسئله اجتماعی رابطه وجود دارد. فرد خوش‌بین هنگامی که با یک چالش روبه‌رو می‌شود قادر به حفظ سلامت روان خود خواهد بود و انتظار وقایع مثبت را دارد به‌دلیل اینکه در مقایسه با افراد بدبین که به‌طور احساسی و هیجانی برخورد می‌کنند با وقایع استرس‌زا به‌صورت مسئله‌محور مواجه می‌شود و این همیشه به یک رفاه و سلامت ذهنی بهتر

1. Gresham

در زمان سختی‌ها منجر می‌شود و براساس ویژگی افراد خوش‌بین می‌توان ویژگی آن‌ها را به‌عنوان یکی از شاخصه‌های توان حل مسئله اجتماعی برشمرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند کسانی که مغلوب مشکلات می‌شوند، از توانایی حل مسئله اندکی برخوردارند. افرادی که از توانایی حل مسئله برخوردار نیستند، به‌محض این‌که با مانعی برخورد می‌کنند ممکن است از خود رفتارهای تکانشی بروز دهند، به‌جای امیدواری، سریع ناامید می‌شوند، احساس ناکامی می‌کنند یا درنهایت پرخاشگر می‌شوند یا برای پرهیز از موقعیت مشکل‌ساز گوشه‌گیر می‌شوند. تکرار چنین موقعیت‌هایی ممکن است به ایجاد و بروز رفتارهای غیرانطباقی منجر شود. توانایی حل مسئله به‌طور معنی‌داری در شایستگی اجتماعی و به‌طور کلی در سلامت روان‌شناختی نقش دارد. توانایی مقابله و حل کردن مشکلات استرس‌زای روزانه، به‌شدت با عملکرد اجتماعی و شخصی مرتبط است (خلیلی و لواسانی، ۱۳۹۶).

در راستای پژوهش می‌توان به محدودیت‌هایی اشاره کرد، از قبیل: الف) افت آزمودنی‌ها به‌دلیل طولانی بودن تعداد کل پرسش‌نامه‌ها (ب) استفاده از ابزارهای خودسنجی (پرسش‌نامه). همچنین پیشنهادات پژوهشی می‌توان ارائه داد. از قبیل: الف) از پرسش‌نامه‌ها با تعداد سؤالات کمتر و در عین حال جامعی استفاده گردد. ب) به‌جای استفاده از ابزار خودسنجی (پرسش‌نامه) در پژوهش‌های آتی از روش‌های دیگری از جمله مصاحبه بالینی جهت شناخت بهتر و بیشتر دانشجویان و مهارت‌های اجتماعی آن‌ها استفاده گردد. درنهایت می‌توان به پیشنهاداتی کاربردی هم اشاره کرد: الف) پیشنهاد می‌شود با نتایج این پژوهش اولیاء دانشجویان با مهارت‌های مؤثر حل مسئله اجتماعی آشنا شوند تا از طریق اصلاح و بهبود روش‌های حل مسئله، از ایجاد و گسترش مشکلات در تعاملات اجتماعی و مسائل فردی آن‌ها پیشگیری شود. ب) پیشنهاد می‌شود این پژوهش در جامعه دیگر، با متغیرهای دیگری هم مطالعه و مقایسه گردد. ج) پیشنهاد می‌شود دروسی با عنوان مهارت‌های حل مسئله اجتماعی و همچنین در باب ابعاد سرمایه روان‌شناختی که هر یک به‌نوبه خود یک مهارت است، در واحدهای درسی دانشگاه‌ها گنجانده شود.

منابع

- ارشاد، رزیتا. (۱۳۹۶). *مقایسه استرس والدینی، سبک‌های فرزندپروری و حل مسئله اجتماعی مادران کودکان اختلال طیف اتیسم، اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی و کودکان عادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی. تهران.
- بیک‌ویردی، زهرا و جعفری، اصغر. (۱۳۹۵). *اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر سازگاری اجتماعی و تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی*. دومین کنگره بین‌المللی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه، تهران.
- ثابت، مهرداد و جمشیدی‌فر، زهرا. (۱۳۹۱). *هنجاریابی مقدماتی آزمون حل مسئله اجتماعی*. *مجله‌ی نو در روان‌شناسی*. ۱۱۳-۱۲۴، (۲۲)۷.
- صدری دمیرچی، اسماعیل، اسدی شیشه‌گران، سارا و اسماعیلی قاضی‌ولویی، فریبا. (۱۳۹۶). *اثربخشی آموزش برنامه مهارت‌های هیجانی-اجتماعی بر کنترل خشم و توانایی حل مسئله اجتماعی در نوجوانان وابسته به مواد*. *فصلنامه طب انتظامی*، (۱)۶، ۶۷-۷۶.
- غریبی، حسن و بهاری‌زر، کیفسان. (۱۳۹۴). *اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر خودتنظیمی تحصیلی و اضطراب ریاضی دانش‌آموزان*. *مجله آموزش و ارزشیابی*، (۳۲)۸، ۶۱-۷۸.
- غلامی، جمیله و سهرابی، نادره. (۱۳۹۴). *مطالعه تحولی حل مسئله اجتماعی و نشخوار فکری در زنان*. *فصلنامه زن و جامعه*، (۳)۶، ۵۹-۷۸.
- غیائی، عبدالرحیم. (۱۳۹۵). *رابطه عزت‌نفس و سبک‌های حل مسئله با باورهای خودکارآمدی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل*. *مجله پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، (۳۴)۷، ۵۳-۶۴.

محزون‌زاده بوشهری، فاطمه. (۱۳۹۵). نقش میانجی‌گری خودکارآمدی در ارتباط بین مهارت حل مسئله اجتماعی و هوش فرهنگی. *مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۷(۳)، ۱۹۳-۲۰۸.

محزون‌زاده بوشهری، فاطمه. (۱۳۹۶). رابطه بین مهارت‌های حل مسئله و خلاقیت دانشجویان با نقش واسطه‌گری خودکارآمدی تحصیلی: مدل‌یابی معادلات ساختاری. *مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۶(۴)، ۲۷-۵۰.

معمارزاده، غلامرضا، ختائی، محمدرضا و عباس‌زاده مینق، شهلا. (۱۳۹۱). رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و تعهد سازمانی کارکنان (اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان شرقی). *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت*، ۹۶، ۱-۱۰.

نیک‌راه، ندا، زارع، مهدی و خاکباز، حمید. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش گروهی حل مسئله اجتماعی بر افزایش تاب‌آوری مادران دارای فرزند معتاد. *رفاه اجتماعی*، ۱۵(۵۶)، ۱۸۵-۱۹۹.

هدایتی، مهرنوش و ماه‌زاده، حامد. (۱۳۹۵). فلسفه برای کودکان و مهارت حل مسئله اجتماعی. *مجله علوم تربیتی*، ۲۳(۱)، ۲۹-۵۴.

- Aliyev, R., & Erhan, T. (2015). Self-efficacy in counseling: The role of organizational psychological capital, job satisfaction, and burnout. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 190, 97-105.
- Bayrami, M., & Movahedi, Y. (2015). The effectiveness of social skills training on psychological capital among university students of tabriz city. *Quarterly Journal of Social Work*, 4(1), 30-37.
- Brandt, T., Gomes, J., & Boyanova, D. (2011). Personality and psychological capital as European countries. *Finnish. Journal of Business Economics*, 3(11), 263-289.
- D'Zurilla, T. & Sheedy, T. C. (1992). The relation between social problem solving ability and subsequent level of academic competence in college student. *Cognitive Therapy and Research*, 16, 89-599.
- D'Zurilla, T. J., Maydeu-Olivares, A., & Gallardo-Pujol, D., (2011). Predicting social problem solving using personality traits. *Personal. Individ. Differ*, 50(2), 142-147.
- Eizadifard, R., Sepasi & Ashtiani, M. (2010). Effectiveness of cognitive behavioral therapy with problem solving skills training on reduction of test anxiety symptoms. *J Behav Sci*, 4(1), 7-23.
- Gresham, F. M. (2006). Social skills for teaching replacement behaviors: Remediating acquisition deficits in at risk student. *Behavioral disorder*, 3, 363-377.
- Jiang, Xu., Lyons, M. D., & Huenbner, E. S. (2016). An examination of the reciprocal relations between life satisfaction and social problem solving in early adolescents. *Journal of Adolescence*, 53, 141-151.
- Jun, W. H., & Lee, G. (2017). The role of ego-resiliency in the relationship between social anxiety and problem solving ability among South Korean nursing students. *Journal of Nurse Edution Today*, 49, 17-21.
- Khalili, S. H., Gholamali Lavasani, M., & Azad Farsane, Y. T. (2015). Study of the effectiveness of group training problem-solving skills, on anger control high school students. *Applied Psychological Research Quarterly*, 6(1), 1-10.
- Latifi, Z., Amiri, S. H., Malekpoor, M., & Molavi, H. (2009). The effectiveness of cognitive-social problem solving training to improve inter personal relations changing social behavior and understanding of students self-efficacy with learning disabilities. *The Resent of Cognitive Science*, 43, 70-84.
- Lee, C. H., & Chu, K. K. (2016). Understanding the effect of positive psychological capital on hospitality intern's creativity for role performance. *International Journal of Organizational Innovation*, 8(4), 213.
- Luthans, F., Luthans, K. W., & Luthans, B. C. (2004). "Positive psychological capital: Beyond human and social capital". *Business Horizons*, 47, 45-50.
- Luthans, F., Youssef, C., & Avolio, B. (2007). *Psychological capital: Developing the human competitive edge*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Peterson, S. J., & Luthans, F. (2003). "The positive impact & development of hopeful leaders". *Leadership & Organization Development Journal*, 24(1), 26-31.

- Wonyou, J. (2017). The relationship among college students' psychological capital, learning empowerment, and engagement. *Journal of Learning and Individual Differences*, 49, 17-24.
- Yang, N. Y., & Moon, S. Y. (2013). The impact of health status, health promoting behaviors, and social problem ability on college adjustment among nursing students. *The Journal of Korean Academic Society of Nursing Education*, 19(1), 33-42.
- Zubair, A., & Kamal, A. (2015). Authentic leadership and creativity: Mediating role of work-related flow and psychological capital. *Journal of Behavioural Sciences*, 25(1), 150-171.